

## رباط سپنج، مطالعه تطبیقی و تدقیق دوره تاریخی\*

وحید حیدری\*\*  
امیرحسین صالحی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

### چکیده

رباط سپنج در شمال شرق شهرستان شاهرود از جمله بناهای تاریخی ارزشمند با تزیینات فاخر آجرکاری در قرون میانه هجری است که در عمده منابع تحقیقی از آن به عنوان بنایی ایلخانی یاد شده است. بررسی دقیق تر تاریخچه اثر و تطبیق تزیینات آن با تعدادی از کاروان سراها و دیگر بناهای قرون میانه هجری این گمان را مطرح می کند که اثر به دوران پیش از حمله مغول تعلق دارد. با وجود این، تشخیص قدمت آن تا حدودی دشوار است زیرا بخش های زیادی از بنای اصلی تخریب شده و تنها قسمت ورودی و حصار پیرامون در شکل اولیه باقی مانده است. در واقع گرچه فرم اصلی پلان بنا به شکل حیاط مرکزی قابل تشخیص است، ساخت خانه های روستایی در محل میانسرا، در دوران متأخر، پلان را تا حد زیادی مخدوش کرده است. این پژوهش با هدف تعیین قدمت رباط سپنج انجام گرفته است و این پرسش اصلی را مطرح می سازد: آیا رباط سپنج را می توان با توجه به شواهد موجود و بررسی های تاریخی- تطبیقی، اثری متعلق به پیش از حمله مغول تلقی کرد؟ شیوه انجام پژوهش پیش رو، به رغم محدودیت های موجود در بررسی میدانی (خاصه کاوش و پی گردی)، با تمرکز بر سه بخش اصلی انجام گرفت: نخست بازشناسی اثر در منابع تاریخی و پژوهش های پیشین؛ دوم بررسی تزیینات بنا و تطبیق آن با نمونه های مشابه از ابنیه هم دوره. سوم بررسی تطبیقی شواهد موجود از پلان و ورودی بنا با نمونه های شاخص و شناخته شده از کاروان سراهای هم دوره (به طور مشخص سلجوقی و ایلخانی). در نهایت این پژوهش نشان می دهد با وجود آنکه اکثر منابع تحقیقی حکم به ایلخانی بودن رباط سپنج دارند، تعلق بنا به دوران پیش از حمله مغول محرز است و نزدیک ترین دوره تاریخی قابل حدس، اواخر عصر سلجوقی است.

### کلیدواژه ها:

رباط سپنج، آجرکاری، کاشی کاری، کاروان سرا، سلجوقی، ایلخانی.

\* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان بازخوانی و تدقیق دوره تاریخی رباط سپنج (ریخت شناسی بر مبنای شواهد کالبدی موجود و بررسی های تاریخی- تطبیقی) است که در معاونت پژوهشی دانشگاه سمنان با شماره ۱۸۵۵۸ به تاریخ ۱۳۹۹/۸/۲۱ به تأیید رسیده است.

\*\* مربی، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، نویسنده مسئول، Vahidary@semnan.ac.ir  
\*\*\* استادیار، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان

## پرسش‌های پژوهش

۱. علت ایلخانی قلمداد شدن رباط سپنج در عمده منابع تحقیقی چیست؟
۲. مطابق بررسی‌های حوزه جغرافیای تاریخی، رباط سپنج در چه بازه زمانی ساخته شده است؟
۳. بر اساس ویژگی‌های معماری و تزئینی و تطبیق با آثار هم‌دوره، رباط سپنج در چه بازه زمانی ساخته شده است؟

### مقدمه

رباط سپنج در حوزه جغرافیایی قومس دوره اسلامی، در روستای جهان‌آباد، واقع در ۶۵ کیلومتری شهر میامی، قرار گرفته و به همین علت به کاروان‌سرای جهان‌آباد نیز معروف است. به نظر می‌رسد رباط سپنج در زمان ساخت و پس از آن تا دوران صفوی، موقعیت جغرافیایی ممتازی داشته و از رونق برخوردار بوده است؛ لیکن به تدریج استفاده از آن کاهش یافته، بخش‌های زیادی از آن تخریب شده و از اصالت اولیه فاصله می‌گیرد. ظاهراً از دوران صفوی به بعد و با کاهش استفاده از جاده عبوری خراسان بزرگ، در حدفاصل بسطام به جاجرم، و انتقال آن به جاده جنوبی، در حاشیه کویر مرکزی، مسیر قدیمی عملاً متروک می‌شود (Korn 2018, 75-76). انجام چنین اقدامی، که شاید دلایل جغرافیایی، اقلیمی یا سیاسی داشته است، در نهایت به متروک شدن و تخریب تدریجی رباط سپنج می‌انجامد تا آنجا که نه تنها بنا از حیث اهمیت ساقط می‌شود، بلکه عملاً در منابع تاریخی کمی از آن یاد می‌گردد. در وضعیت کنونی از رباط سپنج، به جز دیوار پیرامونی و سردر ورودی، آثار کمی بازمانده است که در اثر مداخله و ساخت‌وساز روستاییان عملاً مخدوش شده است. با وجود این، برخی شواهد بازمانده از پلان و همچنین آثار آجرکاری‌ها حکایت از اثری فاخر دارد که قابل مقایسه با کاروان‌سراهای سلجوقی همچون رباط شرف و رباط ماهی است. این در حالی است که بسیاری از پژوهشگران، رباط سپنج را بنایی ایلخانی تشخیص داده‌اند. احتمال دارد دلیل این تلقی یکی از این موارد باشد: اشاره به بنای رباط سپنج در منابع مکتوب بعد از حمله مغول، انتساب عنوان «قلعه خدابنده» به بنا در دوره‌ای از حیات آن، وجود کاشی‌های فیروزه‌ای با اجرای نگینی در میان آجرکارهای فاخر بنا، تشابه نسبی تصویر انتشار یافته از پلان قسمت‌های موجود بنا در پژوهش‌های پیشین با نقشه برخی کاروان‌سراهای ایلخانی. در پژوهش پیش رو این موارد نقد شده و دلایل دیگری نیز بر تعلق بنا به پیش از حمله مغول ارائه شده است. در نهایت تحقیق پیش رو با هدف تعیین قدمت رباط سپنج با تمرکز بر سه مؤلفه اصلی انجام پذیرفت:

۱. بررسی اطلاعات موجود از منابع تاریخی و تحقیقی پیرامون رباط سپنج و منطقه جغرافیایی آن؛
۲. مستندسازی تزیینات بنا و بررسی تطبیقی آن به لحاظ جنس، نقش مایه و تکنیک اجرا با بناهای شاخص هم‌دوره؛
۳. بازشناسی و تطبیق پلان بازمانده از بنا با کاروان‌سراهای سلجوقی و ایلخانی.

شایان ذکر است در منابع تاریخی چندی، به لغت سپنج با محتوای حوزه جغرافیایی یا بنای تاریخی برمی‌خوریم که از جمله آن‌ها می‌توان به ابوعبدالله حاکم نیشابوری (۱۳۷۵)، مقدسی (۱۳۶۱) و کلاویخو (۱۳۴۴) اشاره کرد. همچنین پژوهشگران سرشناسی همچون روبرت هیلن برند (۱۳۸۰)، محمدکریم بیرنیا (۱۳۸۲) و همچنین محمدیوسف کیانی و لفرام کلابیس (۱۳۷۳) به رباط سپنج پرداخته و تاریخ‌گذاری‌هایی انجام داده‌اند که به واسطه اهمیت توصیفات و تحلیل‌ها در بخشی جداگانه به آن‌ها پرداخته شده است. اهمیت پژوهش پیش رو را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: الف. بازخوانی و تصحیح یک نظریه مطرح و تا حدودی پذیرفته شده درباره قدمت یک اثر شاخص معماری در پژوهش‌های علمی؛ ب. اضافه شدن یک کاروان‌سرای مهم دارای تزیین و کمتر شناخته شده به لیست کاروان‌سراهای پیش از حمله مغول؛ ج. تجربه شیوه پژوهش تاریخی-تطبیقی در تعیین قدمت کاروان‌سراها بر اساس دو پارامتر معماری و تزیینات.

### ۱. پیشینه رباط سپنج در منابع تاریخی و تحقیقی

اشاره به رباط سپنج در دو دسته منابع دیده می‌شود: منابع تاریخی و پژوهش‌های معاصر. نکته مشترک در هر دوی این

موارد ارتباط تنگاتنگ عنوان اثر با توصیف بناست، به نحوی که گاه بسیاری از توصیفات مکانی یا معماری با عنوانی جدید همراهاند؛ واژه‌های همچون «سپنج»، «سپنج»، «سبیج»، «اسفنج»، «سُنَج»، «سونج»، «سونج»، «شاه‌جان»، «شاه‌جهان»، «جهان‌آباد» و «خدابنده». این کثرت در عین حال که نشان از اهمیت جغرافیای مکانی دارد، گاه اشتباه بوده و گمراه‌کننده‌اند. در نهایت نگارندگان بر آن شدند علاوه بر تحلیل برخی اسامی، این تعدد را در جدولی خلاصه کنند (جدول ۱). همچنین به علت غالب بودن عنوان رباط سپنج در منابع تحقیقی، این نام برای اطلاق بنا انتخاب شد. در ادامه، پیشینه رباط سپنج در دو بخش جداگانه ارائه و تحلیل شده تا زمینه تاریخی گذاری آن به شیوه مطالعات تطبیقی فراهم آید.

### ۱.۱. رباط سپنج در منابع مکتوب تاریخی

کتاب تاریخ نیشابور تألیف ابوعبدالله حاکم نیشابوری (۴۰۵-۳۲۱ق) از نخستین منابعی است که در دو موضع به «اسفنج» اشاره دارد که هر دو مرتبط با نام اشخاص است و بیانگر این نکته است که سپنج در قرن چهارم هجری از دهات نیشابور بوده؛ از جمله: «عامر بن شعیب النیسابوری، یقال له الاسفنجی قریه بارغیان<sup>۱</sup> من رستاق نیسابور» (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵، ۹۳). همچنین در *احسن التقاسیم مقدسی* (۳۰۸-۳۳۴ق) در چندین جا از عناوین مذکور استفاده کرده که بعضاً جغرافیای آن قرابتی ندارد. اشارات نزدیک‌تر در ذکر آبادی‌ها و بلاد خراسان (خاوران) هستند: «سُنَج نزدیک کوه است و جامع دارد، ساختمان‌ها از سنگ است» (مقدسی ۱۳۶۱، ج. ۲: ۴۴۶). «سَنج جامعی آباد در کنار بازار دارد. نهر در پشت آن است و در کنارش بستانی و سپس کرمستانی است از آن آل مصطفی» (همان، ۴۵۵).

به نظر می‌رسد اولین منبعی که لغت «سپنج» را برای مکان مورد بحث استفاده می‌کند، *معجم البلدان* نوشته یاقوت حموی (۵۷۴-۶۲۶ق) است: «اسفنج دیهی از خوره ارغیان از بخش‌های نیشابور که آن را سپنج گویند» (حموی ۱۳۸۰، ج. ۱: ۲۲۴). همچنین در تفسیر اشاره مقدسی، در کتاب *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی* از مکان مذکور نام برده شده و اشاره حمدالله مستوفی (۶۸۰-۷۵۰ق) نیز اضافه می‌شود: «وی (مقدسی) همچنین از "سپنج" یا "اسفنج" که هنوز در جنوب باختری جاجرم، سر راه بسطام باقی است، نیز اسم برده... این محل را حمدالله مستوفی رباط سونج نامیده است» (لسترنج ۱۳۹۰، ۴۱۸). همچنین در نقشه‌ای از کتاب مذکور، این مکان «سونج» مرقوم شده که در حدفاصل بسطام به جاجرم است. در بررسی کتب حمدالله مستوفی مشخص شد در دو موضع از *نزهة القلوب* به سپنج اشاره شده است: «... به راه نیشابور از بسطام تا مغز هفت فرسنگ، از او تا دیه سلطان هفت فرسنگ، از او تا رباط سونج سه فرسنگ و از او تا جاجرم شش فرسنگ جمله باشد» (مستوفی قزوینی ۱۳۶۲، ۱۷۴). اشاره دیگر وی که می‌تواند در شناخت وجه تسمیه بنا مفید باشد، به اسامی کوه‌های منطقه مربوط است: «... البرز کوه عظیم است متصل باب الابواب است و کوه‌های فراوان پیوسته... چون به دیار خراسان رسد سونج خوانند...» (همان، ۱۹۲). این نکته با توجه به قرارگیری بخشی از ناهمواری رشته کوه البرز در فاصله حدوداً پنج کیلومتری بنا صحیح به نظر می‌رسد؛ ضمن آنکه اطلاق لغت سپنج به معنای موقت (غیردائمی) برای نام‌گذاری کاروان‌سرا نامتعارف نیست.

منبع قابل اشاره دیگر *سفرنامه کلاویخو* (متوفی ۱۴۱۲م/۸۱۴ق) است که به دوره تیموری برمی‌گردد و البته به نامی اشاره نمی‌کند، لیکن از موقعیت مذکور می‌توان چنین حدس زد که سپنج باشد زیرا در فاصله یک‌منزلی از جاجرم و در مسیر دسترسی قدیم جاده خراسان قرار دارد و موقعیت کوه و قنات نیز قابل تطبیق است: «فردای آن روز یعنی دوشنبه به ساختمانی رسیدیم که مخصوصاً برای آرمیدن مسافران ساخته شده بود. در همه آن حوالی هیچ ده یا آبادی مسکونی تا فاصله دور در راه وجود ندارد و این از گرمای فوق‌العاده آن حدود است. تنها آبی که در آن حدود یافتیم، همان بود که در آن کاروان‌سرا دیدیم که از قناتی بیرون می‌آمد و از سر کوهی سرچشمه می‌گرفت که یک روز تا اینجا فاصله داشت» (کلاویخو ۱۳۴۴، ۱۸۳).

در حدفاصل دوران تیموری تا قاجاریه و خاصه از دوره مهم صفویان که راه و کاروان‌سراها در آن اهمیتی قابل توجه دارند، متأسفانه مطلب قابل اشاره‌ای به دست نیامد. از جمله منابع دوران قاجار که به رباط سپنج پرداخته، *سفرنامه سهام‌الدوله بجنوردی* (۱۲۴۳-۱۳۲۱ق) است. بازدید وی حوالی سال ۱۳۰۷ق/ ۱۲۶۸ش رخ داده: «رسیدیم به رباط

سونیج (سونج هم گفته می‌شود). چند نفر شتردار دیده شد که از شاهرود اجناس بار کرده به سمت بجنورد می‌رفتند. رباط سونیج از بناهای قدیم است و به وضع خوبی ساخته شده است؛ تماما از آجر. دم دروازه را کاشی کاری کمی نموده، اما بسیار خوب بنایی کرده‌اند لیکن بانی معلوم نیست. از اسم سونیج که ترکی است باید از بناهای اتراک باشد. حالا را نواب جهانسوز میرزا تصاحب نموده، چهار خانوار در همان خرابه‌های رباط ساکن‌اند و به بیست‌وپنج خروار از نواب معزی‌الیه اجاره کرده‌اند» (بجنوردی ۱۳۷۴، ۳۲-۳۳). از آخرین مدارک تاریخی قابل اشاره، سندی است که به انتقال مالکیت قنات روستای جهان‌آباد و آبادانی‌های وابسته به آن برمی‌گردد و تاریخ ۲۰ محرم ۱۳۴۳ (۲۵ فروردین ۱۳۰۴ ش) دارد. بخش‌هایی از سند بدین قرار است: «... جناب مستطاب‌الاعیان و التجار آقای حبیب‌الله شال‌چی... همگی و تمامی کل شش‌دانگ قنات جاریه مزرعه جهان‌آباد شهر نورا با کل متعلقات آن از آبادانی‌ها و احجار و اشجار و ابنیه و اراضی دایر و بایر و باغات و صحاری و مراتع و مرايض و غیرها... سمی ام لم یسم و قنوات مخروبه متعلقه به آن محدود است... گاه علی‌اصغر خان به مال‌الصلح معین و معلوم مبلغ پنج هزار تومان وجه رایج فض‌سلطانی از جنس قران و مصالح معظم بعد از اخذ و قبض تمامت مال‌الصلح و اعتراف به آن تخلیه نمایند...» (ابوالفضلی ۱۳۸۳، ۳۹).

در مجموع، مطابق بررسی انجام‌گرفته، سکونتگاهی با نام سپنج یا مشابه در دوران پیش از ایلخانی وجود داشته است و قدیمی‌ترین آن‌ها به قرن چهارم هجری قمری برمی‌گردد. نام رباط سپنج نخستین بار توسط حمدالله مستوفی بیان شده و شاید یک دلیل این تلقی که بنا ایلخانی است، این موضوع باشد. ترکی بودن واژه سونیج را که یکی از منابع به آن اشاره داشت، نمی‌توان دلیل سلجوقی یا ایلخانی بودن بنا در نظر گرفت زیرا تعدد اسامی تا دوران معاصر فراوان است. گفتنی ذکر است توصیفات انجام‌شده از اثر، در منابع تاریخی، همگی مختصرند و آنچه معلوم است رباط سپنج لااقل از دوران قاجار به این سو به حالت نیمه‌مخروبه بوده است.

جدول ۱: خلاصه عناوین اطلاق‌شده به رباط و آبادی سپنج در منابع تاریخی و پژوهش‌های معاصر

نام مؤلف یا عنوان سند	دوره حیات مؤلف یا زمان تنظیم سند	اسامی مذکور برای آبادی و اثر تاریخی
ابوعبدالله حاکم نیشابوری (۱۳۷۵)	(۴۰۵-۳۲۱ ق)	آبادی: اسفنج
المقدسی، محمد ابن ابی‌بکر (۱۳۶۱)	(۳۸۰-۳۳۴ ق)	آبادی: سنج، سپنج، اسفنج
یاقوت حموی (۱۳۸۰)	(۴۲۶-۵۷۴ ق)	آبادی: اسفنج، سپنج
حمدالله مستوفی (۱۳۶۲)	(۷۵-۶۸۰ ق)	اثر: رباط سونج، کوهستان: سونج
کلاویخو (۱۳۴۴)	متوفی ۱۴۱۴/۱۱۲۱ م	به موقعیت مکان اشاره کرده، لیکن از آبادی یا اثر نام نبرده است.
سهم‌الدوله بجنوردی (۱۳۷۴)	(۱۳۲۱-۱۳۴۳ ق)	اثر: رباط سونیج
گای لسترنج (۱۳۹۰)	(۱۹۳۳-۱۸۵۴ م)	آبادی: سپنج، اسفنج (نقل از مقدسی)
	قرن ۱۳ و ۱۴ ق	و سونیج (مرقوم در نقشه کتاب)
اثر: رباط سونج (به‌نقل از حمدالله مستوفی)		
سند قنات و آبادی و ضمائیم (ابوالفضلی ۱۳۸۳)	۱۳۴۳ ق / ۱۳۰۴ ش	آبادی: مزرعه جهان‌آباد
روبرت هیلن برند (۱۳۸۰)	معاصر	اثر: رباط سپنج
ولفرام کلایس و محمدیوسف کیانی (۱۳۷۳)	معاصر	اثر: رباط سپنج
ماکسیم سیرو (۱۹۴۹)	معاصر	اثر: رباط سپنج
محمدکریم پیرنیا (۱۳۸۲)	معاصر	اثر: رباط سپنج، رباط قلعه خدابنده
منوچهر ستوده، محمد مهریار، و احمد کبیری (۱۳۶۷)	معاصر	اثر: کاروان‌سرای شاه جان، کاروان‌سرای شاه جهان
فاطمه کریمی (۱۳۷۶)	معاصر	اثر: رباط سپنج (کریمی ۱۳۷۶، ج ۳: ۵۲۲)
مطالب پرونده ثبتی اثر (۱۳۷۹)	معاصر	اثر: کاروان‌سرای سپنج، کاروان‌سرای جهان‌آباد
حمید ابوالفضلی (۱۳۸۳)	معاصر	اثر: رباط سپنج

## ۲.۱. رباط سپنج در پژوهش‌های علمی

از جمله پژوهشگران برجسته تاریخ معماری که به رباط سپنج پرداخته‌اند، روبرت هیلن برند است؛ وی این اثر را مشخصاً به دوره ایلخانان مغول نسبت می‌دهد: «در دوران مغول ویژگی عمده کاروان‌سراهای سین، سرچم، رباط سپنج و کاروان‌سراهای دورافتاده بین مرند و جلفا حیاط بزرگ آن‌ها بوده است. حیاط‌هایی که با بناهایی احاطه شده‌اند که ایوان‌هایی آن‌ها را تقسیم می‌کند» (هیلن برند ۱۳۸۰، ۳۶۰-۳۶۱). ولفرام کلایس از جمله کسانی است که بیش از بقیه به رباط سپنج پرداخته است. پژوهش او در دو منبع در دسترس است؛ یکی از آن‌ها کتاب نام‌آشنای فهرست کاروان‌سراهای ایران است که با همکاری محمدیوسف کیانی به زبان فارسی چاپ شده است. اطلاعات نوشتاری کتاب مذکور مختصر بوده و دوره تاریخی اثر ایلخانی ذکر شده است. از جمله مدارک ارائه‌شده در کتاب، پلان وضع موجود و نقشه بخشی از تزیینات اجرکاری نما و تصویری از کنج شمال شرقی است (تصویر ۱). اثر دیگر کلایس به آلمانی است با عنوان *Karawanenbauten in Iran* که معادل فارسی آن می‌شود: *بناهای کاروانی در ایران*. در اثر مذکور توضیحات بیشتری ارائه شده که خلاصه آن بدین قرار است: «رباط سپنج در شمال شرق ری‌آباد و جنوب غرب جاجرم و در روستای جهان‌آباد واقع شده است. در مقابل آن یک مخزن بزرگ<sup>۲</sup> قرار گرفته است. به لحاظ فرم، به‌رغم تخریب‌های وسیع و ساخت‌وسازهای خانه‌های روستایی، حیاط مرکزی و مسیر حرکت کاروان‌ها قابل تشخیص است... فضای داخلی بنا کاملاً تخریب شده لیکن فضای ورودی و درگاهی بنا تزیینات آجری بسیار فاخری دارد؛ به‌خصوص تکرار طاق‌نماها و نیم‌ستون‌های برجسته اطراف طاقچه‌ها قابل توجه‌اند. کتیبه بنا مشخص نیست اما تاریخچه بنا به واسطه تزیینات آجری جبهه ورودی به دوران ایلخانان می‌خورد» (kleiss 1996: 112). در نسخه آلمانی چند سند مهم وجود دارد؛ از جمله بازسازی فرمی نمای ورودی بنا و مشخص کردن حدود فرضی حیاط مرکزی با نقطه‌چین که البته قدری با واقعیت وضع موجود اختلاف دارد. همچنین چندین عکس از بنا در آن چاپ شده است که با توجه به محدود بودن داده‌های موجود، بسیار مفیدند (تصویر ۲).



تصویر ۲: نمایی از کنج جنوب غربی رباط سپنج (kleiss 1996, 167)



تصویر ۱: نمایی از کنج شمال شرقی رباط سپنج که برج تخریب شده و بخش‌هایی از تزیینات و کتیبه فوقانی بنا در آن دیده می‌شود (کیانی و کلایس ۱۳۷۳).

به نظر می‌رسد محمدکریم پیرنیا اولین کسی است که ایلخانی بودن رباط سپنج را زیر سؤال می‌برد. وی فرضیه جدیدی مطرح کرده و آن را با رباط شرف مقایسه می‌کند: «رباط سپنج در نزدیکی سبزوار قرار گرفته است و هرچند که به بزرگی رباط شرف نیست، از لحاظ ظرافت و دقت و ریزه‌کاری در طرح و نماسازی و آرایش کمتر از آن نیست؛ بلکه سادگی نقش‌ها امتیازی برای آن به شمار می‌آید. نام دیگر این رباط قلعه خدابنده است. اگرچه گنبد سلطانیه هم دارای اجرکاری‌ها و گره‌سازی‌های بسیار هنرمندانه و نغز است ولی معماری و آرایش این رباط بیشتر به کار قرن ششم می‌ماند. گمان می‌رود که بانی آن خدابنده دیگری به جز الجایتو باشد. مطلبی که نگارنده را در این اظهار نظر محق می‌دارد خالی بودن کتاب‌های *نزهة القلوب* و *تاریخ گزیده حمدالله مستوفی* از ذکر آن است...» (پیرنیا ۱۳۸۲، ۲۳۵). به دنبال اشاره پیرنیا کتب مذکور بررسی شد؛ تنها در *نزهة القلوب* اشاره مختصری شده بود که شرح آن پیش‌تر آمد. این در حالی است

که حمدالله مستوفی در ذکر رباط‌های منطقه آذربایجان و زنجان بعضاً از بانی چندین بنا نام می‌برد که همگی از وزرا و امرای عهد ایلخانان مغول هستند؛ ابنیه‌ای چون رباط سرچم و رباط الوان (مستوفی قزوینی ۱۳۶۲، ۱۸۲-۱۸۳). شایان ذکر است نگارندگان در هیچ پژوهش دیگری به بنایی با عنوان «رباط قلعه خدابنده» برخورد نکردند. توصیف مختصر دیگری در ابتدای کتابی مرتبط با «قلعه استوناوند» به چشم می‌خورد: «سه سال پیش (۱۳۶۳ش) در راه جاجرم به میامی در دهکده شاهجان، به کاروان سرای شاهجان (به قول اهالی شاهجهان) رسیدیم که مردم در آن زندگانی می‌کردند و در و دربند آن برقرار بود» (ستوده، مهریار، و کبیری ۱۳۶۷، ۳). این توصیف دو نکته مهم دارد: یکی تقلیل عملکرد بنا به یک حصار دفاعی که از دید نویسندگان دور نمانده و دیگری عنوان «شاهجان» برای کاروان‌سرا که در منبع دیگری دیده نشد و ظاهراً توسط اهالی مورد استفاده بوده است.

از جدیدترین گزارش‌های قابل اشاره دیگر یکی پرونده ثبتی اثر است که مؤکداً بنا ایلخانی معرفی شده (سازمان میراث‌فرهنگی کشور ۱۳۷۹) و دیگری پژوهشی است که توسط حمید ابوالفضلی در ادامه عملیات حفاظت و مرمت بنای مذکور انجام گرفته است. وی بنا را سلجوقی تاریخ‌گذاری کرده و ضمن تصحیح اندازه‌های پلان در سایر منابع، پی‌گردی‌هایی انجام داده و بر اساس آن حدود حیاط مرکزی و محل ایوان‌های بنا را شناسایی می‌کند (ابوالفضلی ۱۳۸۳، ۸۶-۳۸).

در نهایت، نکته قابل برداشت از بررسی پژوهش‌های علمی در خصوص رباط سپنج، این است که عمده منابع پژوهشی بنای مذکور را ایلخانی قلمداد کرده‌اند. دلایل ارائه‌شده برای این اظهار نظر در دو موضع که پیش‌تر اشاره شد، به فرم کشیده پلان و آجرکاری ورودی‌ها برمی‌گردد. اما مهم‌ترین اظهار نظر درباره تعلق بنا به دوران قبل از ایلخانی توسط پیرنیا ارائه شده است؛ وی نیز موضوع آجرکاری‌ها را مطرح کرده لیکن بنا را متعلق به پیش از حمله مغول می‌داند. دلیل دیگر او همان طور که ذکر شد، نبود نام اثر در کتب شاخص عصر ایلخانی است.

## ۲. شناخت وضع موجود رباط سپنج

### ۲.۱. معماری

بنای رباط سپنج در وضع کنونی یک حصار مستطیل‌شکل به ابعاد حدودی ۵۷ در ۴۷ مترمربع است. بر اساس نقشه به‌روزشده توسط نگارندگان، که مطابق سند (ابوالفضلی ۱۳۸۳، ۸۶) انجام گرفته، حیاط مرکزی کاروان‌سرا ابعادی در حدود ۲۵ در ۲۷ مترمربع داشته است (تصویر ۳). بنا در وضع کنونی دارای چهار برج دایره‌ای شکل در کنج‌ها بوده که قطر حدودی آن‌ها ۳ متر و ارتفاع تقریبی شان ۸/۵۰ متر است. از سه برج مذکور یک برج (برج جنوب شرقی) به‌طور کامل تخریب شده است که مطابق تصاویر قدیمی موجود به برج جنوب غربی شبیه بوده است (تصاویر ۱ و ۲). بر اساس شواهد موجود، برج‌ها مجوف بوده‌اند؛ بنابراین صرفاً کارکرد ایستایی یا تزیین نداشته بلکه جنبه عملکردی هم داشته‌اند. در سطح بیرونی برج‌ها و میان نقوش آجرکاری، مزل‌هایی دیده می‌شود که بعضاً با هندسه تزیینات هماهنگی کامل ندارند و ممکن است متأخرتر باشند. ورودی بنا به‌شکل برجسته در محور مرکزی و ضلع شرقی قرار گرفته است؛ کشیدگی آن حدوداً ۱۰/۵ متر و شامل دو برج به‌پهنای ۳ متر در دو سو و یک گشایش ۴/۵ متری است. همچنین ورودی از بدنه ۲ متر بیرون زده است و ارتفاع حدودی آن، مطابق مدل‌سازی، کمی بیشتر از برج‌ها و حدوداً ۱۰ متر بوده است. از معدود بخش‌های بازمانده از پلان، به‌جز ورودی و حصار پیرامون، ایوان‌ها هستند که البته بر اساس پی‌گردی‌های انجام‌شده حین مرمت قدری بازسازی شده‌اند. دهانه ایوان‌های مذکور حدوداً ۵ متر است (تصاویر ۳ و ۴). همچنین در انتهای ایوان جنوبی، یک ورودی با طاق جناقی دیده می‌شود که به‌احتمال قوی، مداخلات بعدی در بنا بوده است (تصاویر ۳ و ۱۸). از نوع پوشش‌های بنا اطلاع زیادی در دسترس نیست زیرا تقریباً تمامی سقف‌ها فروریخته‌اند؛ فقط در یک ناحیه (تصویر ۵) بخشی از یک گوشه‌سازی به جا مانده که بر اساس آن می‌توان حدس زد از طاق چهارگدره‌پوش در برخی فضاها استفاده شده است. در عین حال چفت‌های موجود همگی از نوع تیزه‌ای بوده و الگویی نزدیک به پنج‌وهفت دارند (تصاویر ۶، ۹ و ۱۴). از دیگر نکات قابل اشاره در ضلع ورودی، طاق‌نماها



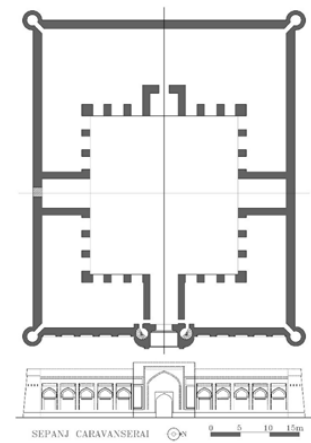
هستند که تعدادشان ۵ عدد در هر سمت ورودی و جمعاً ۱۰ عدد است. دهانه آن‌ها حدوداً ۲/۵۰ متر است و در اطراف آن‌ها یک ستون آجری دایره‌ای شکل تزیینی و یک قاب قرار گرفته است. ارتفاع حدودی طاق‌نما بر اساس مدل‌سازی انجام‌گرفته با لحاظ کتیبه فوقانی ۵/۲ متر است (تصاویر ۱ و ۲). مصالح اصلی بنا آجر و سنگ بوده و بعضاً از خشت و چینه نیز در ساختارهای داخلی سازه استفاده شده است.



تصویر ۵: گوشه‌سازی برج‌مانده در یکی از حجره‌ها. احتمالاً اجرای طاق آن به شیوه چهارگرددپوش بوده است (ابوالفضل‌ی ۱۳۸۳).



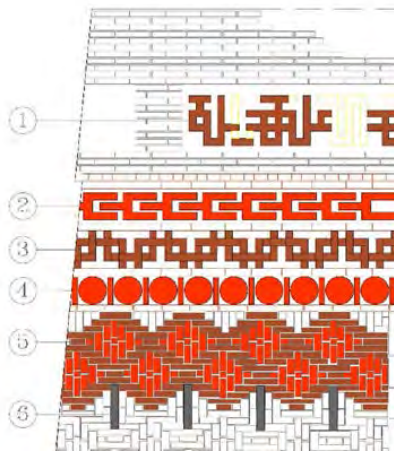
تصویر ۴: وضع موجود ایوان‌های جنوبی و غربی رباط سپنج که در عملیات حفاظتی انجام‌گرفته بازسازی شده‌اند (ابوالفضل‌ی ۱۳۸۳).



تصویر ۳: بالا: پلان به‌روزرسانی‌شده بر اساس آخرین سند موجود (ابوالفضل‌ی ۱۳۸۳، ۸۶). همچنین محل ورودی الحاقی در انتهای ایوان جنوبی در پلان مشخص شده است. پایین: نمای بازترسیم‌شده بر اساس پژوهش اخیر

## ۲.۲. تزیینات

از جمله نقاط قابل توجه در رباط سپنج، تزیینات معماری است که حول محور آجرکاری قابل شرح و بسط می‌باشد. علاوه بر آجر که به‌شکل پیش‌بر و قالبی به کار رفته، از کاشی‌های فیروزه‌ای با اجرای نگینی (استفاده به‌شکل منفرد و تک‌رنگ در میان سطح آجرکاری) و همچنین توپی گچی در بندکشی‌های قائم و با طرح زیگزاگی نیز استفاده شده است. گفتنی است بخش زیادی از لعاب‌های فیروزه‌ای کاشی‌کاری‌ها ریخته است اما الگوی اصلی در نقشه بر اساس نمونه‌های موجود و سالم و همچنین قسمت‌هایی که بخشی از لعاب یا داغ آن بازمانده و قابل تشخیص است، بازسازی شد. آجرکاری‌های بازمانده رباط سپنج عمدتاً در نماهای بیرونی دیده می‌شود که بخش اصلی آن‌ها در ضلع ورودی (شرقی) بنا قرار گرفته است. تنها کتیبه باقی‌مانده در کاروان‌سرا در بخش فوقانی برج جنوب غربی دیده می‌شود؛ تقریباً نیمی از آجرکاری کتیبه فرو ریخته است لیکن مدل‌سازی آن بر اساس بخش‌های باقی‌مانده نشان می‌دهد متن کتیبه احتمالاً تکرار سه نام قدسی الله، علی، محمد است که به خط بنایی و به‌شکل تقریباً متقارن کار شده است. در ضمن، به‌استناد تصویر ۱ می‌توان چنین استنباط کرد که کتیبه مذکور، علاوه بر برج‌ها، در سرتاسر بخش فوقانی ضلع ورودی امتداد داشته است. تزیینات سایر اضلاع بیرونی بنا مختصرترند که بیشترین حجم آن به‌شکل آجرکاری روی برج‌ها و بخش فوقانی حصار بیرونی دیده می‌شود و نقش آجرچینی دو رَج و اجرای برجسته (پتکین) به‌شکل مثلثی مهم‌ترین آرایه‌های آن هستند. بخش‌های داخلی بنا یا تزیینی نداشته یا کالا از بین رفته است. جدول (۲) خلاصه‌ای از موقعیت و نوع نقوش تزیینی بنا است. همچنین برخی از مستندات مربوط در تصاویر ۱۸۶ قابل ملاحظه است.



تصویر ۷: مستندسازی آجرکاری برج جنوب شرقی رباط

سپنج مطابق تصویر ۶

نقش آجرکاری‌ها: ۱. کتیبه؛ ۲. نقش زنجیری؛ ۳. گره چینی

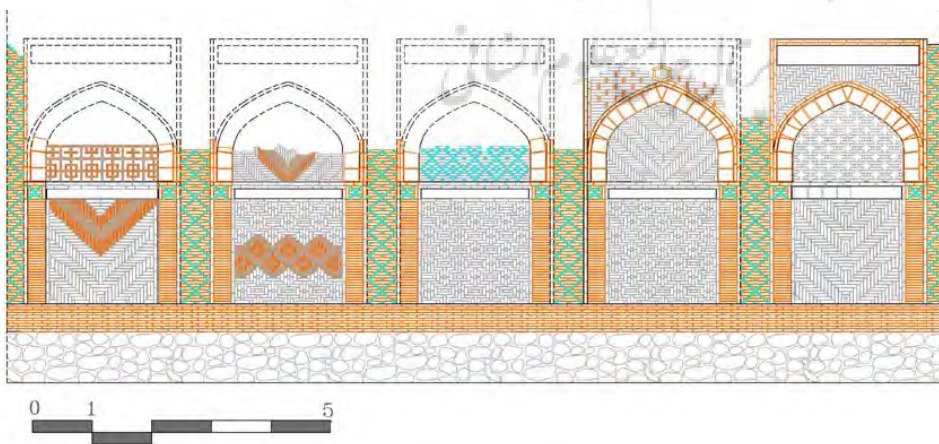
برجسته؛ ۴. پیش‌بر دایره‌ای؛ ۵. گل‌انداز؛ ۶. مزقل‌ها.

تصویر ۶: تصویری از ضلع جنوب شرقی رباط سپنج؛ در بالای برج جنوب شرقی تنها کتیبه باقی‌مانده از بنا دیده می‌شود.



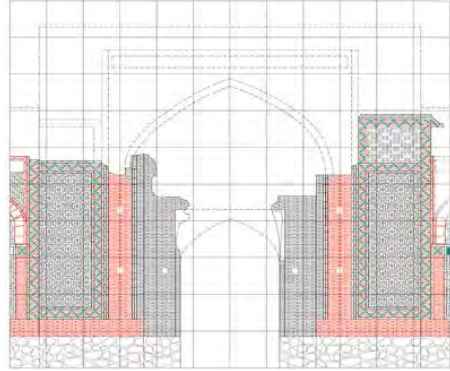
تصویر ۸: کتیبه آجرکاری بخش فوقانی برج جنوب شرقی. بخش‌های نارنجی‌رنگ موجود و بخش زردرنگ بازسازی تصویری شده‌اند.

اسامی قدسی به کاررفته: الله، علی، محمد، الله، علی، محمد، الله.



تصویر ۹: مستندسازی ضلع جنوب شرقی رباط سپنج بر اساس تصویر ۶

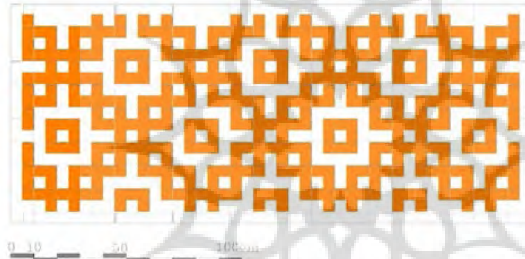




تصویر ۱۱: مستندسازی ورودی بر اساس تصویر ۱۰. نقوش موجود: شامل گل‌اندازه‌های ساده و لعاب‌دار و یک گره‌چینی (سمت راست، بالا)



تصویر ۱۰: نمایی از سردر ورودی رباط سپنج و آجرکارهای اطراف آن



تصویر ۱۳: مستندسازی گره‌چینی تصویر ۱۲ و ترسیم بخش‌های موجود و تخریب‌شده



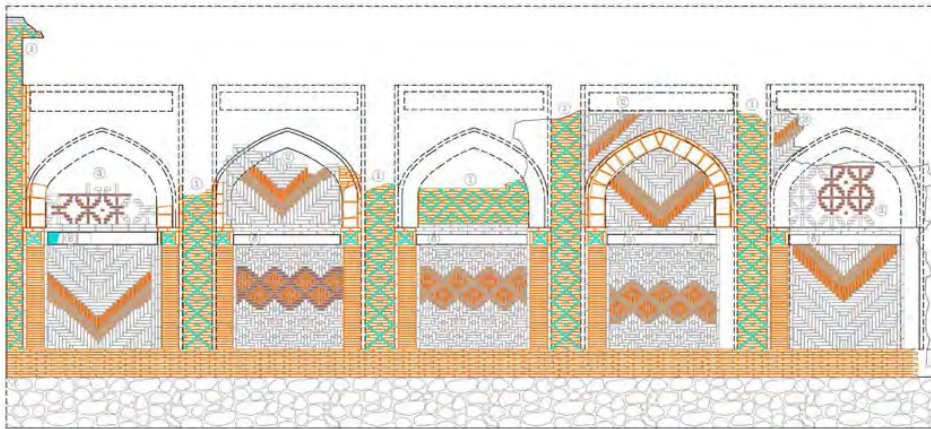
تصویر ۱۲: گره‌چینی با نقش گل‌اندازه در قاب سمت راست ورودی

## مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۲۱ - بهار و تابستان ۱۴۰۱  
۳۹



تصویر ۱۴: نمایی از ضلع شمال شرقی رباط سپنج



تصویر ۱۵: مستندسازی نمای ضلع شمال شرقی رباط سپنج مطابق تصویر ۱۴



تصویر ۱۸: برج جنوب غربی رباط سپنج و نمایی از حصار جنوبی که در گاهی انتهای ایوان جنوبی در آن دیده می‌شود. این در گاهی احتمالاً یکی از دوره‌های تحولی و الحاقات بنا محسوب می‌شود.



تصویر ۱۷: برج شمال غربی رباط سپنج و نمایی از حصار شمالی



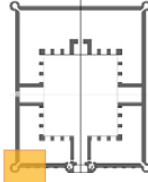
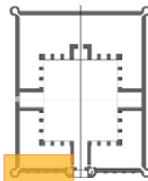
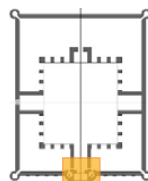
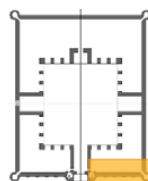
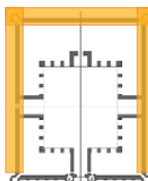
تصویر ۱۶: استفاده از کاشی به شکل نگینی در میان سطوح آجرکاری در ضلع ورودی رباط سپنج. بخش زیادی از کاشی‌ها فروریخته‌اند.

### ۳. بررسی تطبیقی رباط سپنج با بناهای هم‌دوره

#### ۳.۱. ویژگی‌های کلی آجرکاری در بناهای قرون میانه هجری (۴-۸ق)

تحلیل آجرکاری‌های رباط سپنج بدون اطلاع از ویژگی‌های سبکی این هنر در دوران قبل و بعد حمله مغول ناممکن است. اریک شرودر که مطالعات نسبتاً جامعی درباره آجرکاری ایران در دوران سلجوقی انجام داده است، ریشه این آرایه را دوران ماقبل سلجوقی می‌داند و برخی ویژگی‌های این سبک آجرکاری را چنین برمی‌شمارد: «سفالینه‌های حکاکی شده تزئینی، آجرچینی سبکی و آجرهای برجسته‌ای که سایه‌ای قوی ایجاد می‌کند» (شرودر ۱۳۸۷، ج. ۳: ۱۲۴۲). موارد مطرح شده از سوی شرودر در آرای دیگر پژوهشگران نیز دیده می‌شود. جودی مولین مشخصاً تکنیک ایجاد سایه روشن از طریق برجسته کردن آجرکاری را در آثار سلجوقی و ماقبل بررسی می‌کند. او در تشخیص سبک مناره‌های پیش از سلجوقی در دامغان و سمنان، سایه روشن قوی به خصوص در بالای مناره‌ها و نیز تقسیم‌بندی تزئینات با قاب‌ها و کمربندها را مهم‌ترین دلیل تفاوت‌های سبکی بر اساس زمان می‌داند (Moline 1994, 38-46). همچنین آرتور پوپ ملاحظات درباره استفاده از کاشی در کنار آجرکاری در تزئین ساختمان‌ها از قرون نخستین اسلامی دارد و قرن شش هجری را شروع استفاده از کاشی در ترکیب با آجرکاری قلمداد می‌کند و نمونه‌هایی می‌آورد: «اولین نمونه آن در زیر گنبد مسجد جامع قزوین است؛ در گنبد کبود مراغه (۵۹۳ق) همین طرح‌ها با رنگ‌های بیشتر و الگوهای جسورانه‌تر به کار رفته و در گنبد سرخ تیرگی‌های گوشه‌ها نمایان‌تر، پس نشستگی اسپرها بیشتر و افریز عریض‌تر و سنگین‌تر است» (پوپ ۱۳۸۷، ج. ۳: ۱۵۴۹-۱۵۵۰). تحلیل‌های پوپ اگرچه سودمندند، تاریخ‌گذاری‌ها بعضاً در پژوهش‌های جدیدتر با شبهاتی مواجه‌اند. در واقع به نظر می‌رسد می‌بایست در بحث تاریخ‌گذاری آثار آجر-کاشی‌کاری، خاصه در بناهای فاقد

جدول ۲: تزیینات و نقوش به کاررفته در ریاط سپنج

محل تزیین	پلان راهنما	شماره تصاویر مربوط	نوع نقش	نوع تکنیک
(ضلع ورودی) برج جنوب شرقی		۶، ۷ و ۸	کتیبه آجری به خط بنایی با تکرار سه نام قدسی الله، علی و محمد به شکل متقارن	نقوش آجری از بالا به پایین: دندان موشی، نقش زنجیری، گره چینی برجسته، پیش بر دایره‌ای و گل‌انداز
(ضلع ورودی) طاق نماهای ضلع جنوب شرقی		۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۶	آجری با ترکیب کاشی فیروزه‌ای و اجرای نگینی	نقوش گل‌انداز ساده، گل‌انداز ترکیبی با کاشی، طرح‌های جناقی در داخل قاب‌نماها و طاق‌ها، گره چینی‌های مشبک، نیم‌بستون‌های دایره‌ای شکل، آجرچینی دو رج با توبی گچی و همچنین قاب کتیبه‌ها
(ضلع ورودی) سردر ورودی		۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳	احتمالاً در گذشته مهم‌ترین تزیینات آجری در این بخش بوده که تخریب شده است.	قاب گره چینی آجری برجسته، قاب گره چینی آجری ساده، کادر از جنس گره چینی آجری در ترکیب با کاشی فیروزه‌ای
(ضلع ورودی) طاق نماهای ضلع شمال شرقی		۱۴، ۱۵ و ۱۶	آجری با ترکیب کاشی فیروزه‌ای و اجرای نگینی (قطعات کوچک). همچنین استفاده از تایل (قطعات بزرگ) کاشی فیروزه‌ای داخل قاب کتیبه که عمده آن از بین رفته است.	طرح جناقی (اشاری)، گل‌انداز برجسته با نقش گره چینی، گل‌انداز با کاشی، گل‌انداز ساده، نیم‌بستون‌های دایره‌ای شکل
(سایر اضلاع) برج‌های غربی، اضلاع شمالی، جنوبی و غربی		۱۷ و ۱۸	آجری‌های این بخش‌ها به لحاظ نقش ساده‌تر است و کاشی فیروزه‌ای در آن‌ها دیده نمی‌شود.	برج‌ها با طرح آجری دو رج که بند عمودی آن در قسمت پایین توخالی و در بخش فوقانی با یک نیم آجر پر شده، نوار آجری پیش آمده مثلثی شکل (بتکین) به ارتفاع پنج رج که دورتادور کلاهیک برج چرخیده و تا حصار بیرونی امتداد می‌یابد.

کتیبه، قدری محتاط‌تر اظهار نظر کرد. «نتیجه بررسی میدانی کاشی‌های گنبدخانه مسجد جامع قزوین در سال ۱۳۹۷ این بود که در فضای داخلی گنبدخانه، کاشی دوره سلجوقی وجود ندارد. در واقع به نظر می‌رسد پژوهشگران بنا به دلایلی در این باره دچار خطای دید شده و تصور کرده‌اند که رنگ آبی مربوط به کاشی است، در صورتی که لایه‌ای از رنگ‌دانه بر بستر گچ است» (حمزوی ۱۳۹۸، ۶۲).

تزیینات آجری و ترکیب آن با کاشی در دوران غزنویان (۳۳۴-۵۸۳ق) و غوریان (۵۲۷-۶۱۲ق) از موارد قابل توجهی است که بعضاً در سایه گستره تمدن سلجوقی قرار می‌گیرد. گرچه حوزه پراکندگی آثار شاخص یا برجای مانده عمدتاً متمرکز بر منطقه شرقی و شمال شرقی حوزه معروف به خراسان بزرگ است، بازهم تأثیرات سبکی آن‌ها بر بناهای همجوار، انکارنشدنی است. «وجه مشترک این سبک کاربرد آجر به منزله ساخت‌مایه و آجر و سفال به منزله



واسطه‌های تزئین‌نمای بناهاست... این صفات مشتمل است بر گونه‌های جدید کاشی، تراکم بی‌نظیر در استفاده از سفال، چفته‌های نامتعارف، تأکید شدید و عجیب بر سنگ به‌ویژه مرمر، پرشماری کتیبه‌های مدح، کلان بودن و استفاده متنوع و تجربی از قلم‌های کوفی و ثلث که پرکاری و تکلف آن‌ها از هر نمونه شناخته در جاهای دیگر ایران در دوران سلجوقیان فراتر است (هیلن براند ۱۳۹۷، ۳۴۶-۳۴۸). همچنین برخی پژوهش‌های جدیدتر با تمرکز بر نقوش کوشیده‌اند مشخصات دقیق‌تری ارائه دهند؛ از جمله دربارهٔ آجرکاری سلجوقی: «گسترش برخی طرح‌ها همچون گل‌انداز، جناغی، بادبزی، دو رَج و کتیبه‌های رَج‌چین معقلی و بنایی و تزیینات آجرکاری دیگری چون خفته‌راسته، فخرومدین، گره‌سازی و تلفیق آجر و گچ (شکفته، احمدی، و عودباشی ۱۳۹۴، ۱۰۰).

گرچه تعداد آثاری که به‌طور مشخص به حکومت خوارزمشاهی (۴۹۱-۱۶۶۶ق) نسبت داده می‌شود، نسبتاً کم است، ویژگی‌های تزئینی آن‌ها و تغییرات سبکی آنقدر ملموس است که بتوان آن را از آثار سلجوقی و مابعد تفکیک کرد. شیوه‌ای که با چند دهه توقف به معماری ایلخانی انتقال می‌یابد. از ابتدای عصر ایلخانی، تغییرات در تزیینات معماری به تدریج آغاز می‌شود. گرچه در آثار نخستین آجرکاری به نظر می‌رسد تفکیک سبکی دشوار است، به تدریج استفاده از کاشی و رنگ غالب می‌شود و هنرمندان آجرکار راهی جدید در پیش می‌گیرند. «از آغاز سدهٔ هفتم هجری، کار گذاشتن قطعات کاشی، خصوصاً در سطح روکار، سخت رواج یافت. طرح و نقش‌ها پهن و ساده بود و یک بنای معمولی هم می‌توانست آن‌ها را نصب کند. رنگ‌های اصلی عبارت بودند از: فیروزه‌ای، آبی کبالت و زرد نخودی، با نقش‌های درهم هندسی پیچاپیچ چندضلعی» (پوپ ۱۳۸۷، ج. ۳: ۱۵۵۰). این تغییر سبکی علاوه بر نمونه‌های شناخته‌شده در مراغه (گنبد سرخ، گنبد کبود، برج مدور و گنبد غفاریه) که تاریخشان از قبل تا بعد حملهٔ مغول متغیر است، در نمونه‌هایی در شرق ایران هم دیده می‌شود که به‌واسطهٔ سبک تزیینی‌شان می‌توانند در این پژوهش مفید واقع شوند. از این میان، شیبلا بلر با اشاره به تزیینات دورنگهٔ لعاب‌دار، دو برج آرامگاهی رادکان و کاشمر را متعلق به اوایل قرن ۱۳م/۷ق می‌داند و با توصیف منارهٔ نگار به داشتن کتیبهٔ سه‌جزئی لعاب‌دار آبی‌روشن از کلمات به‌هم‌بافته، تزیینات گل‌دار و نوارهای محافظ دورنگ، آن را ۱۲۱۸م/۱۵ق تاریخ‌گذاری می‌کند (Blair 1985, 86-88) که هر سه معادل دوران خوارزمشاهی هستند لیکن در انتسابشان به این حکومت یا امرای محلی اختلاف است. ویژگی‌های خاص آجرکاری دوران ایلخانی همچنین در منابعی مورد توجه قرار گرفته که برخی از آن‌ها بدین شرح است: «مهم‌ترین ساخت‌مایه در این دوره آجر بود، اما توجه بیش از پیش به راه‌های افزودن رنگ به آن‌ها معطوف شد. به همین منظور، قطعات لعاب‌دار کوچکی برای پر کردن درز بین آجرها به کار رفت و در بسیاری موارد، نقوش گیاهی جایگزین نقوش هندسی شد» (هاشمی ۱۳۹۷، ۱۳). در این دوران، آجرکاری به وسعت قبل کاربرد نداشته و تزیینات گچ‌بری و کاشی‌کاری جایگزین آجرکاری شدند. نقش‌های گل‌انداز، رَج‌چین‌های دو رَج و کتیبه‌های بنایی و معقلی در ادامهٔ دورهٔ سلجوقی تا ایلخانیان و پس از آن هم ادامه پیدا کرد؛ با این تفاوت که در کنار آجر از کاشی نره برای جلوهٔ بیشتر کتیبه استفاده شد. به‌طور کلی در این دوران از کاشی در کنار آجر بیشترین بهره را برده‌اند و در برخی تزیینات از آجرها یا سفالینه‌های نقش‌دار و کاشی‌های پیش‌بر، تراش و قالبی در ترکیب با یکدیگر نقوش زیبایی را ایجاد کردند (شکفته، احمدی، و عودباشی ۱۳۹۴، ۱۰۰-۱۰۱).

### ۲.۳. بررسی تطبیقی آجرکاری‌های رباط سپنج با بناهای غیر کاروان‌سرای

برای مطالعهٔ تطبیقی نقوش آجرکاری رباط سپنج لازم بود آرایه‌های این بنا با تعدادی از بناهای قرون میانهٔ هجری (قبل و بعد حملهٔ مغول) مقایسه شود. از آنجا که تعداد ابنیهٔ دارای آجرکاری در این دوران زیاد است، پس از بررسی یک جامعهٔ آماری نسبتاً بزرگ، در نهایت ۱۵ بنای اصلی انتخاب شد. معیار اصلی در انتخاب داشتن نقوش کاملاً مشابه بود. مثلاً نقش گل‌انداز در منار مسجدجامع ساوه یا گره‌چینی در گنبدکبود مراغه که تشابه کامل نداشتند، در بررسی نهایی حذف شدند. جدول ۳ کل جامعهٔ آماری از نمونه‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد و جدول ۴ منتخبی از شیوهٔ بررسی تطبیقی است.



جدول ۳: آرایه‌های تزئینی مشابه با رباط سپنج در بناهای غیر کاروان‌سرای

بنای مورد مقایسه	قدمت	نقوش آجرکاری مشابه با رباط سپنج
مجموعه ارسالان جاذب	(۴۲۱-۳۸۷ق، معاصر غزنوی)	گل‌انداز، آبشاری، رگ‌چین دو رَج
مقبره پیر علمدار	(۴۱۷ق، آل زیار)	گره‌چینی و پتکین
مناره مسجد تاریخانه دامغان	(۴۲۱-۴۱۷ق، آل زیار)	نقش گل‌انداز و گره‌چینی
مناره مسجدجامع سمنان	(۴۲۱-۴۱۸ق، آل زیار)	نقش گل‌انداز
مناره مسجدجامع دامغان	(۴۵۰ق، آل زیار)	نقش گل‌انداز و گره‌چینی
برج‌های دولوی خرقان	(۴۶۰-۴۸۶ق، معاصر سلجوقی)	نقش گل‌انداز
برج شبلی دماوند	(قرن ۵ق، معاصر سلجوقی)	نقش گل‌انداز و نقش جناقی (آبشاری)
مناره چهل دختر اصفهان	(۵۰۱ق، معاصر سلجوقی)	گل‌انداز
مناره خسروگرد	(۵۰۵ق، معاصر سلجوقی)	نقش گل‌انداز
گنبد سرخ مراغه	(۵۴۲ق، معاصر سلجوقی)	گل‌انداز و استفاده از کاشی با اجرای نگینی
برج رادکان خراسان	(۶۰۲-۶۰۳ق، معاصر خوارزمشاهی)	گل‌انداز، استفاده از کاشی با اجرای نگینی، رگ‌چین دو رَج
برج علی‌آباد کشمیر	(۶۰۳ق، معاصر خوارزمشاهی)	گل‌انداز، استفاده از کاشی با اجرای نگینی، آجرکاری جناقی (آبشاری)
مناره نگار	(۶۱۵ق، معاصر خوارزمشاهی)	گل‌انداز، استفاده از کاشی با اجرای نگینی
مجموعه آرامگاه بایزید بسطامی	(اوایل قرن ۸ق، معاصر ایلخانی)	رگ‌چین دو رَج ساده یا با تویی گچی، استفاده از کاشی با اجرای نگینی
برج کاشانه بسطام	(۷۰۰-۷۰۸ق، معاصر ایلخانی)	استفاده از کاشی با اجرای نگینی

همان‌طور که در جدول ۳ دیده می‌شود نقوش تزئینی مشابه با آجرکاری‌های رباط سپنج از دوران غزنوی تا ایلخانی وجود داشته است. با وجود این حضور آجرکاری با اجرای کاشی نگینی در نمونه‌های مورد بررسی از اواخر دوران سلجوقی دیده می‌شود و این مهم‌ترین نکته‌ای است که بر اساس آن می‌توان حداکثر قدمت رباط سپنج را قرن ششم هجری قمری تخمین زد. تعیین دقیق‌تر قدمت بنا نیازمند اطلاعات بیشتری از بررسی‌های تطبیقی است. سایر یافته‌ها از بررسی تطبیقی با ابنیه غیر کاروان‌سرای بدین شرح است:

۱. بیشترین تشابه در نقوش در میان ابنیه پیش از حمله مغول و خاصه خوارزمشاهی و سلجوقی دیده می‌شود.
۲. در نمونه‌های بررسی شده در مجموع هفت آرایه مشابه دیده می‌شود که عبارت‌اند از: گل‌انداز، جناقی (آبشاری)، گره‌چینی، آجرکاری پلکانی (پتکین)، استفاده از کاشی با اجرای نگینی، آجرکاری رگ‌چین دو رَج ساده یا با تویی گچی.
۳. بیشترین آرایه تزئینی مشابه، نقش گل‌انداز است که در هر دو دوره قبل و بعد حمله مغول عمومیت دارد.
۴. استفاده از کاشی با اجرای نگینی بعد از نقش گل‌انداز بیشترین کاربرد را دارد و از آنجا که بسیاری از ابنیه مورد بررسی به قبل از حمله مغول تعلق دارند، می‌توان استنباط کرد این آرایه نمی‌تواند معیار ایلخانی بودن آثار باشد.
۵. در میان ابنیه غیر کاروان‌سرای برج‌های رادکان شرقی و علی‌آباد کشمیر دارای بیشترین آرایه تزئینی مشابه با رباط سپنج‌اند.

در نتیجه از بررسی تطبیقی آجرکاری‌های رباط سپنج با ابنیه غیر کاروان‌سرای و همچنین به‌استناد ویژگی‌های مذکور در بخش ۱.۳ می‌توان استنباط کرد چنانچه نقش و تکنیک آجرکاری معیار تعیین قدمت رباط سپنج باشد، این اثر به‌واسطه نوع طرح، تنوع آرایه و حجم استفاده از کاشی در ترکیب با آجرکاری واجد ویژگی‌های ابنیه پیش از حمله مغول است؛ زیرا در ابنیه بررسی شده ایلخانی، هم آرایه‌های مشابه کمتر است و هم سطح کاشی کاری وسعت یافته است (مانند ایوان غربی مجموعه ارسن بسطام). از دیگر نمونه‌های ترکیب آجرکاری با کاشی در دوران ایلخانی که ویژگی اخیر در آن چشمگیر است، می‌توان گنبد غفاریه در مراغه، گلدسته مسجدجامع اشترجان، گنبد سلطانیه و مقبره عبدالصمد در نطنز را مثال زد (ر.ک: شکفته، احمدی، و עודباشی ۱۳۹۴: ۹۸-۱۰۰). با وجود این، تعیین دقیق‌تر قدمت رباط سپنج نیازمند تطبیق آن کاروان‌سراهای هم‌دوره است که در ادامه مقاله به آن پرداخته شده است.

جدول ۴: منتخبی از بررسی تطبیقی نقوش آجرکاری رباط سپنج با تعدادی از ابنیه قرون میانه هجری تا دوران ایلخانی

نقش اول		نقش دوم		بنای مورد مقایسه و تصویر کلی از آن	
رباط سپنج	بنای مورد مقایسه	رباط سپنج	بنای مورد مقایسه		
					برج رادکان شرقی خراسان (چناران)
					برج شبلی دماوند
					مقبره پیر علمدار دامغان
					برج علی آباد کشمهر، خراسان (بردسکن)
					مناره مسجد جامع دامغان

### ۳.۳. ویژگی‌های کلی کاروان‌سراهای قرون میانه هجری (۸-۴ق)

برای تعیین دوره تاریخی رباط سپنج بررسی تطبیقی آن با کاروان‌سراهای قرون میانه هجری (به‌طور مشخص ۸-۴ق)، خاصه دوران سلجوقی و ایلخانی ضرورت دارد. پیش از آن لازم است ویژگی‌های معماری و تزیینی کاروان‌سراهای این دو دوره تاریخی تا حدودی شناخته شود. در این میان کاروان‌سراهای سلجوقی ناحیه خراسان ویژگی‌هایی خاص دارند؛ توجه به ظرافت و آراستگی تزیینی، علاوه بر برخورداری از فضاهای جانبی نظیر مسجد و منزل‌های اختصاصی و ایوان‌های مجلل که از آن‌ها ابنیه‌ای ویژه می‌سازد. «چنین ظرافت‌ها و آراستگی‌هایی قویاً دلالت بر این امر دارد که این بناها عملکردهایی فراتر از نیازهای تجاری داشته‌اند و به‌طور دقیق‌تر می‌توان این بناها را به‌عنوان کاخ‌هایی در بیابان توصیف کرد (هیلن برن ۱۳۸۰، ۳۴۵-۳۴۶). علاوه بر ویژگی‌های عمومی نقشه و تزیینات، که به آن‌ها اشاره شد، کاروان‌سراهای سلجوقی به‌لحاظ فضاسازی در تقسیمات پلان نیز دارای ویژگی‌هایی خاص هستند که خلاصه‌ای از آن‌ها به شرح زیر است: ۱. گشایش اتاق‌های واقع در گوشه میانسرا (کنج‌های بنا)؛ ۲. طراحی رواق پیرامون حیاط (روبه‌روی حجره‌ها)؛ ۳. پیدایش ایوان در طرح پلان (وسط اضلاع میانی بنا)؛ ۴. ایجاد اصطبل در پشت حجره‌ها (به‌شکل تالارهای مستطیل‌شکل)؛ ۵. حذف رواق‌های اطراف حیاط و ادغام آن‌ها با حجرات در نمونه‌های واپسین (کاوایان و غلامی ۱۳۹۵، ۵۸-۵۳).

دونالد ویلبر، مورخ تاریخ معماری عصر ایلخانی، درباره ویژگی‌های تعدادی از کاروان‌سراهای ایلخانی مواردی را ذکر می‌کند که مورخان پس از وی کم‌وبیش آن را تأیید و تکرار می‌کنند: «شکل کاروان‌سراها از لحاظ اتاق‌های مسکونی دور صحن حیاط شبیه شکل مدرسه است، به‌جز آنکه صحن حیاط آن‌ها خیلی بزرگ‌تر است. صحن بزرگ برای نگاهداری حیوانات بارکش کاروان به کار می‌رفت و دیوارهای خارجی بارو بود و شبستان گنبددار به‌ندرت در پایان محور طولی ساخته می‌شد» (ویلبر ۱۳۶۵، ۳۹). هیلن برن در توصیف ویژگی‌های عمومی کاروان‌سراهای ایلخانی چنین می‌آورد: «در دوران مغول ویژگی‌های عمده کاروان‌سراهای سین، سرچم، رباط سپنج و کاروان‌سراهای دورافتاده بین مرند و جلفا حیاط بزرگ آن‌ها بوده است؛ حیاط‌هایی که با بناهایی احاطه شده‌اند که ایوان‌هایی آن‌ها را تقسیم می‌کند» (هیلن برن ۱۳۸۰، ۳۶۰-۳۶۱). در اینجا هیلن برن در ضمن برشمردن رباط سپنج در میان کاروان‌سراهای ایلخانی، ویژگی شاخص این ابنیه را حیاط‌های بزرگ، ایوان‌های میانی و همچنین تزیینات ورودی می‌داند؛ ویژگی‌هایی که البته در دوران سلجوقی هم به چشم می‌خورد. لیکن بررسی‌ها نشان از پررنگ شدن کاشی‌کاری پس از استقرار ایلخانان دارد. علاوه بر این‌ها کاروان‌سراهای ایلخانی به‌لحاظ نقشه دارای ویژگی‌هایی خاص هستند که می‌تواند در بررسی اخیر مفید واقع گردد. خلاصه‌ای از آن‌ها بدین شرح است: ۱. ادامه نقشه دوره سلجوقی در چیدمان فضایی کاروان‌سراهای ابتدایی؛ ۲. تبدیل رواق به ایوانچه (ایجاد صفا در مقابل حجرات)؛ ۳. ساخت سکو در اصطبل‌ها (برای اقامت مسافران و نهادن بار) (کاوایان و غلامی ۱۳۹۵، ۵۸).

### ۳.۴. بررسی تطبیقی رباط سپنج با کاروان‌سراهایی از قرون میانه هجری (۸-۴ق)

برای مطالعه و تدقیق دوره تاریخی رباط سپنج لازم بود بنا به‌لحاظ نقشه، فرم و تزیینات با کاروان‌سراهای هم‌دوره مقایسه شود. در یک انتخاب اولیه، یک فهرست با ۴۰ عنوان رباط و کاروان‌سرای منتسب به قرون میانه هجری تهیه شد که از این میان ۲۴ بنا دارای نقشه و مدارک پایه بودند که ۱۵ بنا منتسب به دوره سلجوقی و ۹ بنا منتسب به دوره ایلخانی‌اند. مشخص شد آثار منتسب به دوره ایلخانی کم‌تعدادترند و سلامت فیزیکی کمتری دارند. در نهایت برای یک بررسی دقیق‌تر نیاز به انتخابی گزیده‌تر بود؛ انتخابی که تعداد نمونه‌های دو دوره تاریخی در آن یکسان بوده، اطلاعات پژوهشی بهتری داشته و مهم‌تر از همه واجد ویژگی‌های شاخص دوره‌های مذکور باشد؛ یعنی تا حد امکان اصالت سبکی خود را حفظ کرده باشند، فرم مستطیلی داشته، دارای حیاط مرکزی بوده و بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده، دوره تاریخی اصلی‌شان ایلخانی یا سلجوقی باشد. در نهایت پنج بنا از هر دوره و در مجموع ده بنا انتخاب شد. از آنجا که جزئیات بررسی تطبیقی تمامی موارد سبب اطالاه کلام می‌گردد، خلاصه بررسی تطبیقی و مرجع تاریخ‌گذاری‌ها در جدول ۵ آمده است.



در نهایت از بررسی تطبیقی شاخص‌های معماری و تزیینی رباط سپنج با ابنیه کاروان‌سرای هم‌دوره این نتایج حاصل شد:

۱. استفاده از آجرکاری در سطح وسیع، به‌شکل برجسته (سایه‌دار) و در تنوع بالا به‌لحاظ نقش در کاروان‌سراهای سلجوقی منطقه خراسان دیده می‌شود. استفاده از این تکنیک در کاروان‌سراهای سلجوقی و ایلخانی منطقه مرکزی ایران و آذربایجان بسیار کمتر است و بیشتر در ورودی و برج‌ها در سطح خرد و با تنوع آرایه محدود دیده می‌شود. و از این بابت رباط سپنج بیشترین شباهت را به رباط شرف و رباط ماهی دارد.
  ۲. استفاده از کاشی در کاروان‌سراهای سلجوقی نادر است و به نظر می‌رسد یکی از دلایل ایلخانی قلمداد شدن رباط سپنج همین موضوع باشد. در مقابل استفاده از کاشی در کاروان‌سراهای ایلخانی منطقه آذربایجان نسبتاً زیاد بوده و انواع کاشی‌های تراش، پیش‌بر و معرق با رنگ‌های سفید، آبی‌لاجوردی و آبی فیروزه‌ای در کنار آجرکاری دیده می‌شود. به‌استناد استفاده از کاشی به‌شکل محدود و در قالب اجرای نگینی در رباط سپنج و همچنین کاربرد این سبک در بناهای غیر کاروان‌سرای که به آن‌ها اشاره شد، می‌توان استنباط کرد که رباط سپنج پیش از حمله مغول ساخته شده است.
  ۳. استفاده از برخی آرایه‌های تزیینی، مانند رسمی‌بندی و مقرنس، در ورودی و سقف هشتی برخی کاروان‌سراهای شاخص ایلخانی (سرچم، سین و آلاکی) دیده می‌شود که در کاروان‌سراهای سلجوقی و همچنین رباط سپنج دیده نمی‌شود.
  ۴. کاربرد کتیبه در کاروان‌سراهای شاخص سلجوقی مانند رباط شرف و رباط ماهی دیده می‌شود که در ساخت آن‌ها از مصالح گچ و سفال استفاده شده است و الگوی بصری مشابهی دارند. از میان نمونه‌های ایلخانی شناخته‌شده تنها رباط سرچم کتیبه‌ای نقرشده بر روی سنگ در محل ورودی دارد که شباهتی به دو نمونه قبلی ندارد. کتیبه باقی‌مانده در رباط سپنج از جنس آجر پیش‌بر و به خط بنایی است که به‌لحاظ خط شباهتی به هیچ‌یک از نمونه‌های مذکور ندارد لیکن به‌لحاظ جنس با نمونه‌های سلجوقی قرابت بیشتری دارد.
  ۵. به‌لحاظ طرح و ابعاد پلان، رباط سپنج بیشترین شباهت را به رباط ماهی دارد. همچنین در محل ورودی کاروان‌سراهای شاخص سلجوقی، به‌ویژه منطقه خراسان، دو برج نیم‌دایره یا دیواره منحنی شکل نسبتاً پهن دیده می‌شود، در صورتی که ورودی کاروان‌سراهای شاخص ایلخانی باریک‌تر بوده و از حصار اطراف به‌شکل شاخصی بلندتر است. رباط سپنج از این بابت به رباط ماهی و رباط شرف مشابهت دارد.
- در نهایت، بررسی‌های ریخت‌شناسی و تطبیقی رباط سپنج با کاروان‌سراهای سلجوقی و ایلخانی شاخص نشان می‌دهد که رباط سپنج قطعاً پیش از حمله مغول ساخته شده و به‌واسطه ظهور کاشی‌کاری در تزیینات آن، نزدیک‌ترین قدمت قابل تخمین اواخر دوران سلجوقی است.

جدول ۵: خلاصه بررسی تطبیقی رباط سپنج با منتخبی از کاروان‌سراهای سلجوقی و ایلخانی

نام کاروان‌سرا و قدمت	مراجعی که در آن به بنای مورد مقایسه اشاره شده است	خلاصه بررسی تطبیقی با رباط سپنج
رباط شرف (سلجوقی) ساخت: ۵۰۸۵-۵۰۷ ه‍.ق مرمت: ۵۴۹ ه‍.ق	پوپ ۱۳۹۳، ۱۳۱؛ سیرو ۱۹۴۹، ۹۷؛ گذار و دیگران ۱۳۸۷، ج. ۲: ۱۸۱؛ پیرنیا ۱۳۷۶، ۱۹۲؛ هیلن برن ۱۳۸۰، ۳۴۵؛ آنتینگهاوزن و گرابر ۱۳۸۲، ۳۸۸؛ کیانی ۱۳۸۳، ۲۶۷؛ کیانی و کلاریس ۱۳۷۳، ۷۰۳؛ کیانی ۱۳۸۲، ۶۴؛ لیاف خانیکی، بختیاری، و نعمتی ۱۳۹۲، ۲۸۴؛ سلطان‌احمدی و سید حمزه ۱۳۹۵، ۲۷.	۱. تشابه بین ورودی حیاط دوم رباط شرف و ورودی اصلی رباط سپنج قابل توجه است، زیرا هر دو فرم منحنی‌شکل داشته و نمای ورودی نسبتاً عظیم است؛ ۲. آجرکاری‌های دو بنا شباهت زیادی دارند؛ ۳. مهم‌ترین آرایه‌های تزیینی مشابه: نقوش گره‌چینی برجسته، آجرکاری دو رج و آجرکاری با نقش جناغی (ابشاری)؛ ۴. بیشترین تشابه نقوش آجر میان کاروان‌سراهای بررسی شده است.



<p>۱. بیشترین شباهت بین دو بنا در پلان دیده می‌شود. چه به لحاظ ابعاد هندسی و چه به لحاظ فرم ورودی؛ ۲. مهم‌ترین آرایه تزئینی مشابه در دو بنا آجرکاری است و نقوش آبخاری، گل‌انداز و دو رج شبیه‌ترین نقوش قابل مقایسه است.</p>	<p>رکن‌الدوله ۲۵۳۶، ۲۱، ۶۲-۵۹؛ پیرنیا ۱۳۸۷، ۴۸۴؛ کیانی و کلاریس ۱۳۷۳، ۳۷۷؛ کیانی ۱۳۸۳، ۲۷۸؛ لیلیف خانیکی، بختیاری، و نعمتی ۱۳۹۲، ۲۸۳؛ سمسار و سرائیان ۱۳۹۰، ۲۸۲؛ سلطان احمدی و سید حمزه ۱۳۹۵، ۲۶-۸۱-۷۹، Korn 2018.</p>	<p>رباط ماهی (سلجوقی)</p>
<p>۱. رباط دیرکاج بنای بسیار بزرگی محسوب می‌شود و به لحاظ پلان کمتر قابل مقایسه با رباط سپنج است؛ ۲. مهم‌ترین وجه قابل مقایسه رباط دیرکاج و رباط سپنج طاق‌نماهای ورودی است؛ ۳. رباط دیرکاج نسبتاً کم‌تزیین است. مهم‌ترین آرایه تزئینی قابل مقایسه دو بنا آجرکاری با نقش جنائقی (آبخاری است).</p>	<p>ابن‌حوقل ۱۳۶۶، ۱۴۳؛ اصلخوری ۱۳۴۷، ۳۴۲؛ ناصرالدین منشی کرمانی ۱۳۶۴، ۶۸؛ کابلی ۱۳۷۸، ۱۰۸؛ عرب ۱۳۸۵، ۹۹؛ Anisi 2007، ۳۲۷.</p>	<p>رباط دیرکاج (سلجوقی)</p>
<p>۱. مهم‌ترین شباهت دو بنا فرم مربع‌شکل پلان و حیاط مرکزی است؛ ۲. دو بنا به لحاظ مصالح، فرم ورودی و نما شباهتی به یکدیگر ندارند؛ ۳. بنای کاروان سرا سنگی علی‌آباد فاقد تزئینات بوده و مهم‌ترین مدرک در سلجوقی بودن آن فرم پلان و تقسیمات فضایی آن است.</p>	<p>سیرو ۱۹۴۹، ۱۰۰-۱۰۲.</p>	<p>کاروان‌سرای سنگی علی‌آباد (سلجوقی)</p>
<p>۱. شباهت این دو بنا صرفاً به فرم کلی پلان مربع خلاصه می‌شود. ساخت‌مایه این بنا از سنگ بوده و سردر برجسته ندارد و از این بابت دو بنا شباهتی به یکدیگر ندارند؛ ۲. بنای کاروان سرا سنگی کوه نمک فاقد تزئینات بوده و مهم‌ترین مدرک در سلجوقی بودن آن فرم پلان و تقسیمات فضایی آن است.</p>	<p>کیانی ۱۳۷۵، ج. ۳، ۶۰۰؛ سلطان‌احمدی و سید حمزه ۱۳۹۵، ۳۲.</p>	<p>کاروان‌سرای سنگی کوه نمک (سلجوقی)</p>
<p>۱. این کاروان‌سرا چه به لحاظ تغییرات در پلان و چه به لحاظ سردر و نمای کشیده آن متفاوت از نمای سپنج است؛ ۲. طاق‌نماهای ضلع ورودی سرچم شباهت مختصری به رباط سپنج دارد لیکن ساده و فاقد جزئیات تزئینی بوده و نسبتاً کوتاه‌اند؛ ۳. کاروان‌سرا سرچم قبلاً دارای تزئینات کاشی به شکل توبی در بندکشی‌های قائم ورودی بوده که قابل مقایسه با رباط سپنج است؛ ۴. استفاده از سنگ در محل ورودی و کتیبه و همچنین وجود مقرنس در طاق ورودی مشخصه‌هایی است که در رباط سپنج دیده نمی‌شود.</p>	<p>مستوفی قزوینی ۱۳۶۲، ۱۸۲؛ فوریه ۱۳۶۸، ۱۵۳؛ سیرو ۱۹۴۹، ۱۰۷-۱۰۹؛ ویلبر ۱۳۶۵، ۱۹۳؛ احسانی ۱۳۸۱، ۴۸؛ کاپوان و غلامی ۱۳۹۵، ۵۸.</p>	<p>کاروان‌سرای سرچم (ایلخانی) ساخت: ۷۳۳ق</p>
<p>۱. پلان کاروان‌سرا آلاکی به نسبت رباط سپنج کشیده‌تر است؛ ۲. فرم ورودی کاروان‌سرا آلاکی برجستگی مختصری از بدنه دارد و ورودی بنا مانند ابنیه ایلخانی کشیده است، درحالی‌که ورودی رباط سپنج پهن بوده و تقریباً با حصار پیرامونی هم‌ارتفاع است؛ ۳. غالب تزئینات کاروان‌سرا آلاکی کاشی‌کاری است نه آجرکاری، همچنین از برش‌های متنوع کاشی و رنگ‌های متنوع استفاده شده است؛ ۴. در محل ورودی کاروان‌سرا آلاکی عنصر مقرنس به چشم می‌خورد که در رباط سپنج وجود ندارد؛ ۵. مهم‌ترین شباهت تزئینی کاروان‌سرا آلاکی با رباط سپنج آجرکاری گل‌انداز است که به شکل قاب لوزی در اطراف ورودی آن کار شده است.</p>	<p>ویلبر ۱۳۶۵، ۱۸۹-۱۹۰؛ سیرو ۱۹۴۹، ۱۱۰-۱۱۱؛ هیلن برنر ۱۳۸۰، ۳۷۱؛ مرادی و عمرانی ۱۳۹۳، ۵۶-۵۶.</p>	<p>کاروان‌سرای آلاکی مرند (ایلخانی) ساخت: ۷۱۴-۷۰۹ق</p>
<p>۱. ابعاد دو بنا تا حدودی نزدیک است اما شباهت دیگری بین نقشه‌ها به چشم نمی‌خورد؛ ۲. فرم منحنی ورودی‌ها تا حدی شبیه است اما هشتی کاروان‌سرا سین شباهتی به رباط سپنج ندارد؛ ۳. آجرکاری‌هایی در بخش فوقانی حصار بنا وجود داشته که تا روی برج‌ها ادامه می‌یافته است و قابل قیاس با تزئینات حصار شمالی، جنوبی و غربی رباط سپنج است.</p>	<p>کلاریس و کیانی ۱۳۷۳، ۹۷؛ هیلن برنر ۱۳۸۰.</p>	<p>کاروان‌سرای سین (ایلخانی) ساخت: ۷۳۰ق (بنا تخریب شده است.)</p>
<p>۱. شباهت پلان دو بنا کاروان‌سرا چشمه شتران و رباط سپنج مختصر است جز فرم ورودی دو بنا که منحنی‌شکل است؛ ۲. گرچه پلان هر دو بنا نزدیک به مربع است، پلان رباط سپنج به نسبت پلان کشیده‌تر است و جزوهای آن ضخامت کمتری دارد؛ ۳. بخش‌های بازمانده از کاروان‌سرا چشمه شتران فاقد تزئینات معماری است و جزئیات اجرایی آن در طرح و مصالح زمخت‌تر از رباط سپنج است.</p>	<p>لسترینج ۱۳۹۰، ۳۵۰؛ دانشدوست ۱۳۷۶، ۴۱۲؛ کیانی و کلاریس ۱۳۷۳، ۱۶۵؛ Anisi 2007، ۳۲۶-۳۲۷.</p>	<p>کاروان‌سرای چشمه شتران (بنای اصلی ایلخانی)</p>
<p>۱. تنها شباهت دو بنا به یکدیگر فرم چهارضلعی پلان و قرارگیری برج‌ها در چهار کتف است؛ ۲. کاروان‌سرا چهار برج فاقد تزئینات بوده و به لحاظ مصالح ساخت نیز چون غالب آن سنگ است، نسبت به رباط سپنج ظرافت کمتری دارد؛ ۳. هر دو بنا دارای ورودی برجسته هستند لیکن ورودی کاروان‌سرا چهار برج هندسی و ورودی رباط سپنج منحنی‌شکل است.</p>	<p>کیانی و کلاریس ۱۳۷۳، ۸۴.</p>	<p>کاروان‌سرای چهاربرج (ایلخانی)</p>

جدول ۶: نمونه‌ای بصری از مقایسه تطبیقی رباط سپنج با کاروان‌سراهای سلجوقی و ایلخانی

بنای مورد مقایسه	پلان بنای مورد مقایسه (راست) پلان رباط سپنج (چپ)	تصویر اول بنای مورد مقایسه (سردر)	تصویر اول رباط سپنج (سردر)	تصویر دوم بنای مورد مقایسه (تزیینات)	تصویر دوم رباط سپنج (تزیینات)
رباط شرف					
رباط ماهی					
کاروان‌سرای سرچم					
کاروان‌سرای آلاکی مرند					

### نتیجه

رباط سپنج از جمله ابنیه مهم قرون میانه هجری است که خاصه به واسطه تزیینات آجرکاری مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و در اغلب موارد ایلخانی تاریخ‌گذاری شده است. به نظر می‌رسد دلایل چندی در این تلقی مؤثر بوده است؛ از جمله این دلایل نامیدن رباط سپنج به اسم قلعه خدابنده توسط مردم منطقه است. بررسی انجام گرفته در متون تاریخی نشان می‌دهد همان‌طور که پیرنیا اشاره می‌کند، احتمالاً منظور از اطلاق عنوان خدابنده برای رباط سپنج شخصی به جز سلطان محمد خدابنده، ایلخان معروف، است زیرا نام بنا در زمره آثار منسوب به سلطان محمد خدابنده نیامده است. دلیل دیگر سابقه عنوان مصطلح‌تر سپنج (و مشابه) در منابع مکتوب قرون ۴ و ۵ هـ (قبل حمله مغول) وجود دارد که وجود مکان یا بنای در ناحیه مذکور را تأیید می‌کند. دلیل دیگری که احتمالاً شائبه ایلخانی بودن بنا را در میان پژوهشگران پیشین قوت بخشیده، استفاده از کاشی با اجرای نگینی در میان تزیینات آجرکاری‌های بناست، درحالی‌که بررسی‌ها نشان می‌دهد سابقه تکنیک مذکور به پیش از حمله مغول می‌رسد. آنچه در اینجا امکان تشخیص دوره تاریخی را میسر می‌سازد، حجم استفاده از کاشی است بدین معنی که به تدریج استفاده از کاشی از قرن عیق افزایش می‌یابد و به همان

نسبت از تنوع آرایه‌های آجری کاسته می‌شود، به‌نحوی که وفور کاشی در ترکیب آجرکاری در دوران خوارزمشاهی و ایلخانی کاملاً محسوس است و بر تعداد رنگ‌های به‌کاررفته در کاشی‌ها نیز اضافه می‌گردد. میزان استفاده از کاشی در آجرکاری‌های رباط سپنج به‌نسبت کم است و محدود به اجرای نگینی در میان نقوش متنوع آجرکاری می‌شود. نکته دیگر، خود تزیینات آجرکاری به‌لحاظ نقش و تکنیک اجرایی است. همان‌طور که تحقیق نشان می‌دهد و در جداول بررسی تطبیقی نیز قابل ملاحظه است، نقوش و تکنیک اجرایی در آجرکاری‌های رباط سپنج شباهت بیشتری با ابنیه ساخته‌شده پیش از حمله مغول دارد. در میان ابنیه غیرکاروان‌سرای از شبیه‌ترین موارد قابل ذکر می‌توان به برج رادکان شرقی و برج کشمر اشاره کرد که البته هر دو خوارزمشاهی هستند. برای تاریخ‌گذاری دقیق‌تر رجوع به کاروان‌سراهای قرون میانه (۴-۸ق) لازم بود. بررسی‌های تطبیقی نشان می‌دهد برخلاف نظر کلایس، که تزیینات ورودی بنا را مشابه کاروان‌سراهای ایلخانی می‌داند، تزیینات آجرکاری رباط سپنج بیشترین شباهت را به کاروان‌سرای سلجوقی رباط شرف و رباط ماهی دارد. در موضوع کاشی این نکته اهمیت فراوان دارد که استفاده از این مصالح در رباط سپنج بسیار محدود و به‌شکل نگینی در میان آجرکاری‌هاست، درحالی‌که در نمونه‌های ایلخانی در سطح وسیع‌تری به‌شکل کاشی تراش و پیش‌بر استفاده شده است. ضمن آنکه برخی تزیینات خاص (مانند مقرنس و طاق‌بندی) که در سقف ورودی‌های کاروان‌سراهای آلای، سین و سرچم دیده می‌شود، در هیچ‌یک از کاروان‌سراهای سلجوقی شناخته‌شده تاکنون دیده نشده است.

موضوع دیگری که می‌تواند در تاریخ‌گذاری رباط سپنج مفید واقع شود، فرم پلان، ورودی و سردر است. در موضوع پلان به نظر می‌رسد نقشه انتشاریافته از بنا، در متون تحقیقی پیشین، دلیل دیگری بر ایلخانی قلمداد شدن رباط سپنج توسط محققانی چون هیلن برنند باشد. به‌رغم تخریب بخش‌های وسیعی از فضای داخل بنا، با تصحیح انجام‌گرفته اخیر روی نقشه‌های آن، در مقایسه تطبیقی با بناهای هم‌دوره به نظر می‌رسد بیشترین مشابهت در نمونه‌های بررسی‌شده به رباط ماهی است؛ خاصه به‌لحاظ فرم و کشیدگی. نکته قابل ملاحظه دیگر سردر و درگاه ورودی است. سردر رباط سپنج از حصار اطراف کمی بلندتر است و در دو سوی آن برج‌های عظیمی به‌شکل دیواره منحنی شکل پهن قرار گرفته است؛ این فرم ورودی بیشتر به بناهایی چون رباط ماهی و رباط شرف شبیه است تا کاروان‌سراهای آلای و سرچم که ورودی‌های باریک‌تر و مرتفع‌تری دارند. شایان ذکر است وجود طاق‌نما در ضلع ورودی، که مورد اشاره کلایس قرار گرفته بود، به‌جز رباط سپنج در کاروان‌سرای سرچم نیز دیده می‌شود لیکن طاق‌نماهای سرچم به‌نسبت سپنج ساده و بدون تزیین است و ابعاد کوتاهی دارند.

در نهایت مطابق بررسی‌های تاریخی-تطبیقی انجام‌شده چنین می‌توان ابراز کرد که قدمت رباط سپنج قطعاً به پیش از حمله مغول می‌رسد و بیشترین احتمال این است که بنا در اواخر دوران سلجوقی ساخته شده است. در آخر، نگارندگان بر این عقیده‌اند که برای تعیین قطعی و عددی تاریخ ساخت رباط سپنج نیاز به پژوهش‌های باستان‌سنجی و آزمایش‌های سال‌یابی روی مواد و مصالح ساختمانی بنا نظیر آجر، کاشی و گچ است. همچنین برای دست‌یابی به جزئیات پلان و سایر اطلاعات کالبدی اثر لازم است گمانه‌های باستان‌شناسی در محل میانسرای کنونی انجام پذیرد. پژوهشی که امید است امکان آن در آینده نزدیک فراهم گردد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. ارغیان یا بارغیان = جاجرم امروزی.
۲. احتمالاً منظور استخر آب است.

### منابع

- ابن‌حوقل. ۱۳۶۶. سفرنامه ابن‌حوقل. ترجمه جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- احسانی، محمدتقی. ۱۳۸۱. یادای کاروان‌سراها، رباط‌ها و کاروان‌ها در ایران. تهران: امیرکبیر.

- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. ۱۳۴۷. مسالک و ممالک. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابوالفضل، حمید. ۱۳۸۳. مرمت رباط سپنج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی. استاد راهنما: فرهاد فخار تهرانی.
- آتینگهاوزن، ریچارد، و الگ گرابر. ۱۳۸۲. هنر و معماری اسلامی (۱). ترجمه یعقوب آژند. تهران: سمت.
- بجنوردی، سهام‌الدوله. ۱۳۷۴. سفرنامه. تهران: علمی و فرهنگی.
- رکن‌الدوله. ۲۵۳۶. سفرنامه رکن‌الدوله به سرخس. به قلم محمدعلی منشی. به کوشش محمد گلبن. تهران: سحر.
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۷۶. سبک‌شناسی معماری ایرانی. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: پژوهنده.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۲. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۷. معماری ایرانی. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: سروش دانش.
- پوپ، آرتور. ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. زیر نظر آرتور پوپ و فیلیس آکرمن. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: علمی و فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۳. معماری ایران. ترجمه غلامحسین صدری افشار. تهران: دات.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله. ۱۳۷۵. تاریخ نیشابور. ترجمه محمد بن خلیفه نیشابوری. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.
- حمزوی، یاسر. ۱۳۹۸. قدیمی‌ترین کاربرد کاشی در آرایه‌های معماری دوره اسلامی ایران و فن‌شناسی آرایه تلفیقی قطعات ظروف سفالی لعاب‌دار و گچ-آجر در بقعه خواجه اتابک کرمان. فصلنامه پژوهش باستان‌سنجی ۵ (۱): ۸۰-۵۵.
- حموی، یاقوت بن عبدالله. ۱۳۸۰. معجم البلدان. ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور، پژوهشگاه.
- دانشدوست، یعقوب. ۱۳۷۶. طیس شهری که بود (بناهای تاریخی طیس). تهران: انتشارات سازمان میراث‌فرهنگی کشور و انتشارات سروش.
- سازمان میراث‌فرهنگی کشور. ۱۳۷۹. پرونده ثبت کاروان‌سرای جهان‌آباد یا سپنج در فهرست آثار ملی. گزارش انتشار نیافته.
- ستوده، منوچهر، محمد مهریار، و احمد کبیری. ۱۳۶۷. استوناود (دژی که سه هزار و هشتصد سال از عمر آن می‌گذرد). تهران: موسسه فرهنگی جهانگیری.
- سلطان‌احمدی، بهمن، و مریم سیدحمزه. ۱۳۹۵. الگو و شاخصه‌های معماری کاروان‌سراهای دوره سلجوقی شاهراه خراسان، فصلنامه اثر، ش. ۷۳: ۲۱-۴۲.
- سمسار، محمدحسن، و فاطمه سرائیان. ۱۳۹۰. کاخ گلستان، آلبوم خانه، فهرست عکس‌های برگزیده عصر قاجار. تهران: کتاب آبان و زریاران.
- سیرو، ماکسیم. ۱۹۴۹. کاروان‌سراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان‌راه‌ها. ترجمه عیسی بهنام. سازمان حفاظت از آثار باستانی.
- شرودر، اریک. ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. زیر نظر آرتور پوپ و فیلیس آکرمن. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: علمی و فرهنگی.
- شکفته، عاطفه، حسین احمدی، و امید عودباشی. ۱۳۹۴. تزیینات آجرکاری سلجوقیان و تداوم آن در تزیینات دوران خوارزمشاهی و ایلخانی. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ش. ۶: ۸۴-۱۰۶.
- عرب، کاظم. ۱۳۸۵. کاروان‌سرای دیرکاج. مجله اثر، ش. ۴۰ و ۴۱: ۹۷-۱۰۹.
- فوریه، ژان باتیست. ۱۳۶۸. سه سال در دربار ایران. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: دنیای کتاب.
- کابلی، میرعابدین. ۱۳۷۸. بررسی‌های باستان‌شناسی قمرود. تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- کاویان، مجتبی، و غلامحسین غلامی. ۱۳۹۵. بررسی سیر تحول معماری کاروان‌سراهای حیاط دار مرکز ایران. فصلنامه اثر، ش. ۷۵: ۴۹-۶۶.
- کریمی، فاطمه. ۱۳۷۶. مقدمه‌ای بر شناخت رباط در ایران. مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور، پژوهشگاه: ۵۰۸-۵۲۴.



- کلاویخو، روی گنزالس. ۱۳۴۴. سفرنامه کلاویخو. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کیانی، محمدیوسف، و ولفرام کلاریس. ۱۳۷۳. فهرست کاروان‌سراهای ایران. تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- کیانی، محمدیوسف. ۱۳۷۵. کاروان‌سراهای جاده ابریشم. مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور، پژوهشگاه: ۵۹۵-۶۳۰.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۲. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۳. معماری ایران، دوره اسلامی. تهران: سمت.
- گدار، آندره، یدا گدار، ماکسیم سیرو، و دیگران. ۱۳۸۷. آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- لباف‌خانیک، رجبعلی، بهزاد نعمتی، و محمود بختیاری شهری. ۱۳۹۲. کاروان‌سراهای خراسان. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- لسترنیج، گای. ۱۳۹۰. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.
- مرادی، امین، و بهروز عمرانی. ۱۳۹۳. بازشناسی تاریخی و تزیینات کاروان‌سرای آلاکی. فصلنامه باغ نظر، ش. ۲۸: ۳-۱۴.
- مستوفی قزوینی، حمدالله. ۱۳۶۲. نزهة القلوب. به اهتمام گای لسترنیج. تهران: دنیای کتاب.
- مقدسی، شمس‌الدین ابوعبدالله. ۱۳۶۱. احسن التقاسیم. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- ناصرالدین منشی کرمانی. ۱۳۶۴. نسائم الاسحار من لطائف الاخبار در تاریخ وزراء. تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی. تهران: اطلاعات.
- ویلبر، دونالد نیوتن. ۱۳۶۵. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان. ترجمه عبدالله فریار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هاشمی، سیده میترا. ۱۳۹۷. معماری روزگار ایلخانان. از مجموعه هنر در تمدن اسلامی (معماری ۱)، زیر نظر مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: سمت.
- هیلن برند، روبرت. ۱۳۸۰. معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: روزنه.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۷. معماری روزگار غزنویان و غوریان. از مجموعه هنر در تمدن اسلامی (معماری ۱). ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: سمت.
- Anisi, AliReza. 2007. *Early Islamic Architecture in Iran (637-1059)*. Ph. D Thesis. University of Edinburgh.
- Blair, Sheila. S. 1985. The Madrasa at Zuzan, Islamic Architecture in Eastern Iran on the eve of the Mongol Invasions. *Moqarnas*, no. 3: 75-91.
- Korn, Lorenz. 2018. Ribat-I Mahi, Evidence of a Saljuq Building Inscription. *Adle Nama*. Tehran: Research Institute for cultural Heritage and Turism. 75-97.
- Moline, Judi. 1994. Saljuq Minarets in Iran, Developments in the Decorative Scheme. *The Art of the Saljuqs in Iran and Anatolia*. Proceedings of Symposium held in Edinburgh in 1982. Edited by Robert Hillenbrand. Costa Mesa, California: Mazda Publisher, 38-45.
- Kleiss, Wolfram. 1996. *Karawanbauten in Iran*, Berlin, Dietrich Reimer Verlag.

## ■ Ribat of Sepanj, Comparative Study and Dating

---

**Vahid Heidary**

Instructor, Faculty of Art, Semnan University

**Amir-Hossein Salehi**

Assistant Professor, Faculty of Art, Semnan University

Ribat-i Sepanj, located on the northeast of Shahrud, is among the valuable historical monuments boasting magnificent brickwork ornamentation. It dates from the middle centuries of the hegira and is mentioned in most research sources as a construction of the Ilkhanid period. A closer look at the history of the monument and the comparison of its decorations with that of a number of other caravanserais and monuments of the middle centuries of Islam raises the idea that it dates back to the pre-Mongol era. However, it is not easy to date the monument because many parts of the original building are destroyed and only the entrance and the enclosure wall remain in their original form. Although the original plan is recognizable in the form of the central courtyard, the construction of rural houses in the courtyard greatly distorted the plan in later periods. This study aims to determine the time of the initial construction of the Ribat-i Sepanj, and to answer the main question: can the Ribat-i Sepanj be considered a construction of the pre-Mongol invasion according to the available evidence and historical-comparative studies? The method of conducting this study, due to the limitations of field research (especially excavation and tracking) focuses on three main items: first, studying the monument based on historical sources and previous research works; second, studying the ornamentation and comparing it with similar other samples from contemporary monuments; and third, conducting a comparative study of the available evidence remaining of the plan and entrance of the monument with those of the well-known examples of contemporary caravanserais (specifically from the Seljuq and Ilkhanid period). Finally, although most researchers consider Ribat-i Sepanj to be an Ilkhanid monument, the present study finds that the monument recognizably dates from the pre-Mongol invasion, and the closest historical period attribution is the late Seljuq era.

**Keywords:** Ribat-i Sepanj, brickwork, tilework, caravanserai, Seljuq, Ilkhanid